

بازتعریف نقش امارات در منطقه

رضا حاجی محمدی

پژوهشگر روابط بین الملل

در سال‌های اخیر، امارات متحده عربی به یکی از بازیگران نوظهور اما پرنفوذ در تحولات خاورمیانه و فراتر از آن تبدیل شده است. از یک کشور حاشیه‌نشین در نظام قدرت جهانی، امارات امروز در تلاش است نقش فعالی در بازاریابی نظم منطقه‌ای ایفا کند؛ نظمی که پس از بهار عربی، رقابت‌های قدرت‌های بزرگ، افول نظم تک قطبی آمریکا و ظهور بازیگران منطقه‌ای مانند ترکیه و ایران، دستخوش تحولات عمیق شده است. سیاست خارجی امارات در این راستا، دچار تحولی بنیادین شده که بسیاری از مفاهیم سنتی چون «دفاع محور بودن»، «محافظه‌کاری سیاسی» و «اتکاب به قدرت‌های بزرگ» را دگرگون ساخته و به سمت یک دیپلماسی چندوجهی، گاه تهاجمی و پیچیده رفته است. برخلاف تصور عمومی، آنچه امارات را به کنشگری فعال در عرصه سیاست خارجی بدل ساخته، نه صرفاً انگیزه‌های ایدئولوژیک یا رقابت‌های فرقه‌ای، بلکه نوعی محاسبه‌گری استراتژیک در مقیاس منطقه‌ای است. امارات به خوبی درک کرده که عصر جدید خاورمیانه، دیگر تنها بر محور نفت و امنیت نظامی شکل نمی‌گیرد، بلکه متغیرهایی همچون زنجیره تأمین جهانی، گذرگاه‌های انرژی، فناوری‌های نو، رقابت بر سر داده‌ها و قدرت نرم، جایگاه فراینده‌ای یافته‌اند. در این شرایط، امارات تلاش کرده تا نقشی فراتر از ظرفیت سنتی خود تعریف کند؛ به عنوان حلقه اتصال شرق و غرب، مرکز مالی جهان عرب، پلتفرم دیپلماسی چند جانبه، و بازیگر میانیجی در بحران‌های منطقه‌ای. یکی از جلوه‌های مهم این بازتعریف نقش، سیاست خارجی موسوم به «صفر کردن تنش» با رقیب‌است؛ رویکردی که امارات در سال‌های اخیر به ویژه در قبال ایران، قطر، سوریه و حتی ترکیه اتخاذ کرده‌است. پس از یک دوره پرتنش در دهه ۲۰۱۰، امارات به سمت کاهش درگیری‌های برهزینه حرکت کرد. در عین حفظ منافع ژئواستراتژیک خود در نقاط حساسی چون دریای سرخ، باب‌المندب، لیبی، و یمین- این چرخش، محصول تجربه عملیاتی و درک واقع‌گرایانه‌ای از محدودیت‌های قدرت سخت بود. امارات دریافت که برای ایفای نقش پایدار در منطقه، نیازمند سیاست خارجی چندلایه‌ای است که بتواند هم‌زمان منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی را پیش ببرد، بدون آن‌که درگیر جنگ‌های فرسایشی شود. در همین راستا، دیپلماسی امارات شاهد توسعه سطوح نوینی از تعامل بوده است. از جمله گسترش روابط با اسرائیل در قالب «توافق نامه ابراهیم»، که نه تنها برای امارات یک برگ برنده ژئوپلیتیک در برابر ایران بود، بلکه فرصت‌های اقتصادی، فناوری و امنیتی متعددی را نیز به همراه داشت. امارات تلاش کرده است این روابط را از سطح نمایندگان فراتر ببرد و به صورت واقعی در سطح همکاری‌های فناورانه، سرمایه‌گذاری مشترک، امنیت سایبری و انتقال دانش دنبال کند. اما این گام در عین حال با انتقادات شدیدی در جهان اسلام و کشورهای عربی مواجه شد، چراکه به زعم منتقدان، نوعی عدول از اولویت مسئله فلسطین و نادیده گرفتن حقوق ملت‌های تحت اشغال بود. از سوی دیگر، حضور فعال امارات در مناطق دورتر چون شاخ آفریقا، مدیترانه شرقی، و آسیای مرکزی، نشان می‌دهد که سیاست خارجی این کشور به سطحی از بلوغ رسیده که می‌تواند از فضای ژئوپلیتیک خود فراتر رود. ساخت پایگاه‌های نظامی، سرمایه‌گذاری در بنادر و زیرساخت‌های راهبردی، تأسیس مراکز فرهنگی و مشارکت در عملیات بین‌المللی، نشانه‌هایی از تلاش برای شکل دهی به یک امارات بزرگ‌تر هستند. با این حال، پرسش جدی آن است که آیا این توسعه نق، با منابع واقعی امارات و ظرفیت‌های انسانی، نهادی و نظامی آن همخوانی دارد؟ با صراحتاً بر موج منابع مالی و حمایت‌های بین‌المللی سوار شده و در صورت بحران، دچار عقب‌نشینی استراتژیک خواهد شد؟ همچنین، باید به یک وجه پنهان تر سیاست خارجی امارات نیز توجه کرد: استفاده از فناوری و داده‌ها به عنوان ابزار قدرت نرم. امارات، با سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی، شهرهای هوشمند، اقتصاد دیجیتال و تحلیل داده‌های کلان، تلاش کرده است تا در معادلات جدید قدرت، جایگاه معناداری برای خود تثبیت کند. این رویکرد، در تضاد با سنت محافظه‌کاری کشورهای منطقه است و نشان می‌دهد که ابوظبی می‌کوشد از «سیاست‌گذاری تکنولوژیک» نیز به عنوان ابزاری برای شکل دهی به نظم منطقه‌ای بهره‌گیرد. اما هم‌زمان، این کشور متهم به کنترل سنگین بر اطلاعات، محدودسازی رسانه‌ها، و سرکوب آزادی‌های دیجیتال نیز شده است؛ تناقضی که در درازمدت می‌تواند اعتبار بین‌المللی و جذابیت نرم‌افزاری این کشور را تهدید کند. در نهایت، مسئله مهمی که در آینده سیاست خارجی امارات باید مورد توجه قرار گیرد، پایداری سیاست خارجی در برابر شوک‌های داخلی و جهانی است. تا چه حد سیاست خارجی امارات وابسته به ساختارهای سیاسی متمرکز، تصمیم‌گیری‌های فردی و سرمایه‌گذاری‌های مبتنی بر ریسک است؟ اگرچه این کشور با ثبات اقتصادی و اجتماعی نسبی اداره می‌شود، اما تحولات جهانی مانند بحران‌های انرژی، جنگ‌های نیابتی، تغییرات اقلیمی یا نوسانات ژئوپلیتیکی می‌تواند توازن سیاست خارجی‌اش را به هم بزند. امارات نیازمند نهادینه‌سازی سیاست خارجی، مشارکت تنخکان دانشگاهی، و افزایش شفافیت تصمیم‌سازی در حوزه بین‌الملل است؛ امری که فعلاً در سطح محدودی دنبال می‌شود. در جمع‌بندی، امارات متحده عربی در حال بازتعریف جدی نقش خود در نظم نوین منطقه‌ای است؛ نقشی که از یک کشور محافظه‌کار و منفعل به یک بازیگر چندبعدی و گاه تهاجمی تبدیل شده است. اگرچه این تحول برای این کشور فرصت‌های مهمی به همراه آورده، اما چالش‌هایی ساختاری، مشروعیتی و نهادی نیز در پیش دارد. سیاست خارجی امارات تنها در صورتی می‌تواند پایدار و موفق باشد که میان جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای، ظرفیت‌های داخلی، اصول حقوق بین‌الملل و رضایت جامعه جهانی توازن ایجاد کند. در غیر این صورت، ممکن است شکاف میان تصویر بیرونی و واقعیت درونی، زمینه‌ساز بحران‌های پیش‌بینی ناپذیر شود.

آیت‌ا... محسن غرویان:

راه حل مشکلات اقتصادی

اصلاح سیاست

خارجی است



تندرو هانه به معیشت مردم می‌اندیشند و نه دغدغه زندگی آنها دارند

افزایش قیمت بنزین در شرایط فعلی صلاح نیست

محسن غرویان، استاد حوزه و دانشگاه، در تحلیلی درباره فشار برخی نمایندگان مجلس بر دولت، تلاش‌های تندروها برای استیضاح وزرا و ایجاد چالش سیاسی در کشور را اقدامی کاملاً جناحی و فاقد نگاه ملی دانست و تاکید کرد این نوع رفتارها ادامه همان رقابت‌های انتخاباتی است که پیش‌تر میان جناح‌های سیاسی وجود داشت. در فضای پرتنش این روزهای سیاست ایران، باز هم نام‌های قدیمی به صدر خبرها بازگشته‌اند. محمد جواد ظریف و حسن روحانی، دو چهره شاخص دیپلماسی و دولت پیشین، بار دیگر هدف حملات سیاسی قرار گرفته‌اند؛ حملاتی که برخی آن را ادامه تسویه حساب‌های حل نشده برجام می‌دانند. ظریف در پاسخ به این

فشار نماینده‌ها به دولت

در عین حال انتشار اخبار ضد و نقیض درباره احتمال افزایش قیمت بنزین نیز به نگرانی‌های اجتماعی دامن زده است. جامعه‌ای که زیر بار تورم و نااطمینانی اقتصادی قرار دارد، تاب شوک‌های تازه را ندارد. کارشناسان می‌گویند پیش از هر تصمیمی در این باره، باید به ظرفیت تحمل جامعه و لزوم بازسازی اعتماد عمومی توجه کرد. شاید بیش از هر زمان دیگری، سیاست ایران نیازمند خویشتنداری، گفت، گو، و پرهیز از برخورد‌های هیجانی است. در همین پیوند خبرنگارلین نظر آیت‌ا... محسن غرویان، استاد حوزه علمیه قم جویا شد؛ استاد حوزه علمیه قم درباره فشار برخی نمایندگان به دولت اظهار کرد: این فشارهایی که برخی نمایندگان مجلس به دولت وارد می‌کنند، چه برای استیضاح وزرا و چه برای اعمال فشار بر شخص آقای پزشکیان یا حتی نیست به آقای ظریف و آقای روحانی، نشان می‌دهد که موضوع کاملاً جناحی است و اغراض سیاسی و گروهی پشت آن نهفته است. وی افزود: این اقدامات ادامه همان رقابت‌های سیاسی است که در انتخابات ریاست جمهوری شاهد بودیم. جناح تندرو همان زمان می‌گفتند «ما آمده‌ایم که نگذاریم رئیس‌ما شمس جمهور شوید» و اکنون همان رویه را ادامه می‌دهند.

در وضعیت اضطرار

غرویان ادامه داد: این فشارها نشان می‌دهد افرادی که در پی تشدید فشار بر دولت هستند، واقعاً به منافع ملی نمی‌اندیشند. در شرایطی که کشور در وضعیت اضطرار قرار دارد و دشمن هر لحظه تهدید به حمله نظامی می‌کند، اگر این افراد به مصالح ملت فکر می‌کردند، نباید چنین رفتارهایی را علیه دولت انجام می‌دادند. ایجاد تفرقه و شکاف میان دولت و ملت در واقع چراغ‌سبزی به دشمن است تا به کشور حمله کند. وی تصریح کرد: بارها در مصاحبه‌های مختلف گفته‌ام که این نوع رفتارها مصداقی از نفوذ است؛ نفوذی که برخی با ایجاد اختلاف و از بین بردن انسجام ملی، زمینه را برای طمع دشمن فراهم می‌کنند. به نظر می‌رسد اغراض این گروه‌ها همین است.

مش‌ی اعتدالی آیت‌ا... هاشمی

آیت‌ا... غرویان در پاسخ به پرسشی درباره اینکه «آیا دلیل همه‌ها به ظرفیت حمایت از دولت چهارم است یا خیر» گفت: قطعاً اصولاً آقای پزشکیان شخصی با تفکرات اعتدالی و اصلاح طلبانه است و با همین روحیه و اخلاص وارد انتخابات شد. آقای ظریف



فضاسازی‌ها تنها گفته است که شورای عالی امنیت ملی از او خواسته سکوت کند؛ سکوتی که به جای فروکش کردن فضا، پرسش‌های تازه‌ای را درباره پشت‌پرده این برخوردها به میان آورده است. در کنار این تحکرات، مجلس نیز با طرح استیضاح چهار وزیر دولت، بار دیگر فضای همکاری میان قوا را تحت تأثیر قرار داده است. بسیاری از ناظران سیاسی بر این باورند که در شرایط فعلی کشور، چنین اقداماتی بیش از آنکه جنبه نظارتی داشته باشد، رنگ و بوی سیاسی پیدا کرده است. آنها هشدار می‌دهند که فشارهای پی‌درپی بر دولت در مقطعی که اقتصاد و جامعه در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد، می‌تواند پیش از پیش فضای اعتماد عمومی را فرسوده کند.

نه‌امیدی برای سرمایه‌گذاری باقی‌مانده

و نه آرامشی در بازار دیده می‌شود. در

چنین شرایطی، افزایش قیمت بنزین

می‌تواند بسیار خطرناک باشد و

حتی احتمال دارد مردم دیگر طاقت

نداشته باشند

نیز با ایشان همدلی و همفکری دارد و این هم‌سوایی امری طبیعی است. آقای ظریف و آقای روحانی هر دو دغدغه معیشت مردم را دارند و مشکلات اقتصادی را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده‌اند. وی افزود: آقای ظریف انسانی آزادی‌خواه، استقلال طلب و میهن دوست است که بر مبنای تفکرات اعتدالی حرکت می‌کند. این جریان، در واقع ادامه همان مش‌ی اعتدالی آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی است، چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی. به نظر من، در شرایط کنونی کشور، تنها تفکر اعتدالی می‌تواند نجات‌بخش باشد و آقای پزشکیان نیز همین مسیر را دنبال می‌کند.

گناه دزدی و اختلاس

غرویان در باره فعالیت‌گروه‌های تندرو در هجمه به دولت تاکید کرد: متأسفانه گروه‌های تندرو نه به معیشت مردم می‌اندیشند و نه دغدغه زندگی مردم را دارند. برخی بعضاً دست به تصرف در بیت‌المال زده‌اند که خوشبختانه برکنار شده‌اند؛ اما این

گروه‌های تندرو نه به معیشت مردم

می‌اندیشند و نه دغدغه زندگی مردم

را دارند. برخی بعضاً دست به تصرف در

بیت‌المال زده‌اند که خوشبختانه برکنار

شده‌اند؛ اما این اقدامات آنها برای جامعه

روحانیت آزادنده است

سکینه سادات پاد:

موضوع قانون مهریه موجب بی‌اعتمادی جامعه زنان می‌شود

می‌کنند. یاد افزود: وقتی به سایر حقوق توجه نمی‌شود، یعنی سال‌هاست در مورد بحث حضانت، تمکین و حتی حق خروج از کشور، مباحثی در بین زن‌ها به عنوان دغدغه و مسئله مطرح می‌شود و ورود جدی به این موضوعات نمی‌شود اما فقط دست می‌گذارند دقیقاً روی بحث مهریه که زن به عنوان یک پشتوانه به آن نگاه می‌کند، این نشان می‌دهد که یک جانمایی بدی داریم و ما به مهریه در کنار سایر محکومیت‌های مالی نگاه می‌کنیم. در واقع خود قانونگذار ما دارد اصرار می‌کند که مهریه که قرار بوده مهر باشد و نشانه محبت باشد، را زیر محکومیت‌های مالی تعریف کند. این یعنی اولین انحراف از آن واقعیت فرهنگی که در واقع قرارداد زناشویی را می‌برند ذیل بقیه مباحث و بعد انتظار دارند که زن برخوردش با مهریه اینطوری نباشد. وی تأکید کرد: این به نظر یک دوگانگی در مفهوم است، یعنی در درک مفهوم دوگانگی احساس می‌شود.

لذا من معتقدم که این موضوع موجب بی‌اعتمادی جامعه زنان می‌شود و موجب ناراضی می‌شود. وی تصریح کرد: بالاخره باید به این موضوع در نظام توجه نمی‌شود، یعنی سال‌هاست در مورد بحث حضانت، تمکین و حتی حق خروج از کشور، مباحثی در بین زن‌ها به عنوان دغدغه و مسئله مطرح می‌شود و ورود جدی به این موضوعات نمی‌شود اما فقط دست می‌گذارند دقیقاً روی بحث مهریه که زن به عنوان یک پشتوانه به آن نگاه می‌کند، این نشان می‌دهد که یک جانمایی بدی داریم و ما به مهریه در کنار سایر محکومیت‌های مالی نگاه می‌کنیم. در واقع خود قانونگذار ما دارد اصرار می‌کند که مهریه که قرار بوده مهر باشد و نشانه محبت باشد، را زیر محکومیت‌های مالی تعریف کند.

این یعنی اولین انحراف از آن واقعیت فرهنگی که در واقع قرارداد زناشویی را می‌برند ذیل بقیه مباحث و بعد انتظار دارند که زن برخوردش با مهریه اینطوری نباشد. وی تأکید کرد: این به نظر یک دوگانگی در مفهوم است، یعنی در درک مفهوم دوگانگی احساس می‌شود.

لذا من معتقدم که این موضوع موجب بی‌اعتمادی جامعه زنان می‌شود و موجب ناراضی می‌شود. وی تصریح کرد: بالاخره باید به این موضوع در نظام

گزارش

در آستانه نشست شورای حکام صورت‌گرفت

پرونده هسته‌ای ایران

در ایستگاه گروه‌هفت

نشست اخیر گروه‌هفت در کانادا بار دیگر پرونده هسته‌ای ایران را در مرکز مواضع سیاسی غرب قرار داد. وزیران خارجه این هفت کشور از ایران خواستند مطابق قطعنامه‌های شورای امنیت و معاهده NPT، همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را از سرگیرد و زمینه بازرسی از تمام فعالیت‌های هسته‌ای را فراهم کند. آنها همچنین خواستار گفت‌وگوی مستقیم تهران و واشنگتن یا پشتیبانی ترونیگای اروپایی شدند. این بیانیه که بر اجرای اسنپ‌بک نیز تأکید دارد؛ واکنش مقابل سخنگوی وزارت خارجه ایران را نیز به همراه داشت. باقیی، مواضع جی ۷ را «تکرار ادعاهای بی‌پایه» دانست و تأکید کرد که غرب با سوءاستفاده از سازوکارهای برجامی می‌کوشد قطعنامه‌های لغوشده را احیا کند.

نقطه انتشار تنش

انتشار تازه‌ترین گزارش رافائل گروسی درباره وضعیت فعالیت‌های هسته‌ای ایران، حساسیت‌ها را بیش از نشست شورای حکام دوچندان کرده است. به گفته لارنس نورمن، خبرنگار وال استریت ژورنال ایران تنها کشور غیرهسته‌ای عضو NPT است که حجم قابل توجهی از اورانیوم با درصد غنی‌سازی بالا را در اختیار دارد و آژانس به دلیل محدودیت‌های ایجادشده قادر به راستی‌آزمایی کامل آن نیست. با وجود این، تهران تأکید می‌کند که بازنده‌های اخیر آژانس از مراکز هسته‌ای مانند راکتور تحقیقاتی تهران طبق قوانین انجام شده و هرگونه درخواست بیشتر باید با هماهنگی شورای عالی امنیت ملی و طبق قانون مجلس باشد. در شرایطی که قرار است شورای حکام آژانس هفته آینده تشکیل جلسه دهد، رسانه‌های غربی از احتمال ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت در صورت «عدم همکاری کافی» سخن می‌گویند. روسیه اما هشدار داده که چنین اقدامی تنها باعث افزایش بحران و تضعیف بیشتر سازوکارهای بین‌المللی می‌شود. در همین راستا یک دیپلمات پیشین در توضیح اهمیت بیانیه اخیر گروه هفت گفت: این بیانیه از جهات مختلف قابل توجه است، به‌ویژه آنکه برای نخستین بار کشورهای عضو این گروه به صراحت از ایران خواسته‌اند با آمریکا مذاکره کنند. محمود احمدی، گفت: پیش از این نیز اروپایی‌ها در ماه‌های گذشته چنین موضعی را مطرح کرده بودند و با اواخر تابستان گذشته به طور مشخص اعلام کردند که مسیر حل فصل اختلافات «باید از طریق گفت‌وگوی مستقیم ایران و آمریکا باشد». به گفته احمدی، این تغییر موضع در اروپا از ماه‌های مرداد و شهریور به بعد مشهود بود؛ زمانی که آنها عملاً خود را از نقش میانیجی‌گری در مذاکرات جدا کردند و تأکید داشتند که حل مسأله تنها از مسیر گفت‌وگوی دو جانبه تهران و واشنگتن ممکن است. دیپلمات پیشین ایران در سازمان ملل افزود: اکنون این نگاه از سطح اروپا به سطح گروه هفت نیز سرایت کرده و به این جمع‌بندی رسیده‌اند که موضوع هسته‌ای ایران اساس مسئله‌ای میان ایران و آمریکا است و باید مستقیم میان همین دو طرف حل شود. وی با اشاره به سابقه مذاکرات ایران و آمریکا در سال‌های پایانی دولت دهم گفت‌وگوهایی که در عمان آغاز شد و زمینه‌ساز شکل‌گیری برجام در دولت دهم گردید، اعلام کرد: در اردیبه‌نیز همین دو کشور طرف اصلی ماجرا بودند. ورود کشورهای ۵+۱ به روند مذاکرات، عمدتاً به دلیل تمایل ایران بود که نمی‌خواست به شکل علنی و مستقیم با آمریکا مذاکره کند. احمدی تأکید کرد که جامعه بین‌المللی اکنون دوباره به این جمع‌بندی رسیده که تهران و واشنگتن طرف‌های اصلی این پرونده‌اند و باید رو در رو تکلیف خود را روشن کنند. احمدی به گزارش تازه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پرداخت و تصریح کرد: در این گزارش، «تحول جدید و تعیین‌کننده‌ای» مشاهده نمی‌شود. به گفته او، بر اساس محتوای فعلی گزارش، احتمال آن‌که در نشست پیش‌رو شورای حکام پرونده ایران مستقیماً به شورای امنیت ارجاع شود، زیاد نیست. این کارشناس مسائل بین‌الملل یادآور شد که از منظر کشورهای غربی، پرونده ایران همچنان در دستورکار شورای امنیت قرار دارد، زیرا آنها معتقدند ۶ قطعنامه پیشین شورای امنیت که در دوره‌های برجام معلق شده بود، اکنون احیا شده است. احمدی با اشاره به روند تاریخی ارجاع پرونده ایران گفت: تحول کیفی اصلی در سال ۲۰۰۷ رخ داد؛ زمانی که برای نخستین بار پرونده ایران رسماً به شورای امنیت رفت. آن زمان شورای حکام ابتدا رأی به عدم پی‌بندی ایران داد و پس از حدود چهار ماه، موضوع وارد شورای امنیت شد. او از زیبایی که این بار نیز احتمال دارد ارجاع پرونده به شورای امنیت به نشست بعدی در فوریه موکول شود، زیرا گزارش جدید آژانس حاوی نکته برجسته‌ای نیست که غرب را به اقدام قوی ترغیب کند.

همراهی چین و روسیه

احمدی در ادامه به مواضع روسیه و چین درباره پرونده ایران پرداخت و گفت: شرایط کنونی با سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ تفاوت بنیادین دارد؛ دوره‌ای که مسکو و پکن در کنار غرب به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران رأی مثبت دادند. او تأکید کرد: امروز رقابت میان قدرت‌های بزرگ به اولویت اصلی سیاست بین‌الملل تبدیل شده و همین مسئله باعث شده روسیه به طور جدی در موضوع ایران موضع حمایتی بگیرد و مشروعیت احیای قطعنامه‌های گذشته را نپذیرد. چین نیز همراهی نشان داده، هرچند با درجانی کمتر از روسیه. با وجود این همراهی سیاسی، احمدی تصریح کرد: این حمایت‌ها در عرصه دیپلماتیک همیشه اثربخش نبوده است.